



درون و بیرونمان را زیبا کنیم

نمایش شخصیت صاحبخانه در نمای خانه

■ ایلاجعفری

درون خانه ما خیلی مهم است. درون خانه‌ها بیان را زیبا می‌کنیم و به آن می‌رسیم. چون دلمان می‌خواهد محیط زندگی‌مان زیبا و قشنگ باشد. از شلوغی و به‌هم‌ریختگی خوشمان نمی‌آید و دلمان می‌خواهد از نظم و زیبایی درون خانه لذت ببریم. حداقل هر انسانی را که روح‌وروان سالمی دارد و من می‌شناسم، به مرتب بودن و پاکیزگی و آراستگی خانه‌اش اهمیت می‌دهد و هرگونه اختلال در آن را بد و نادرست می‌داند. مثلاً من آدمی را نمی‌شناسم که وقتی به خانه‌اش می‌روم با خانه‌ای نامرتب از من استقبال کند. معمولاً هر کسسی دست‌کم پیش از آمدن مهمان خانه‌ار مرتب و تمیز می‌کند. اگر هم به هر دلیلی نتوانسته باشد به‌نظم و نظام‌و زیبایی خانه سامان بدهد، بابت آن، از مهمان عذر خواهی می‌کند و مثلاً می‌گوید: ببخشید که خانه‌مان به‌هم‌ریخته است، و ممکن هم هست که بپانه‌ای برای این کار بیاورد. مثلاً بگوید: امان از دست این بچه‌ها که هر چه جمع‌وجور می‌کنم باز هم یک دقیقه‌ای خانه‌ار به‌هم می‌ریزند یا اینکه، باید یک نفری جمع‌کنم، در حالی که چند نفری به‌هم می‌ریزیم...

این جمله‌ها را که بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم، بی‌شک پیام‌هایی دارد که قابل تأمل است.

■ صاحبخانه‌هایی تمیز و باتصاف

حالا کمی از خانه‌خودمان که پاکیزه و مرتب است و زیبا، بیرون برویم. شاید خودمان هم از اختلافی که به‌وجود آمده حیرت‌کنیم. ممکن است دیوار اتاق‌هایمان بسیار زیبا و نقاشی شده و خوشرنگ باشد، در حالی که دیوارهای

بیرون از خانه که آنها را از بیرون دربر گرفته، کثیف، نازیبا، ترک‌خورده و رنگ‌و رو رفته باشد و حتی زیبایی خانه‌های اطراف را هم زیر سؤال برده باشد. شاید کم‌تنه. دیوارها و پنجره‌های بیرون خیلی خوب و زیبا باشد و هیچ صدمه‌ای به زیبایی وارد نکرده باشد.

آیامای بیرون خانه‌مان همچون نمای داخلی آن، برایمان مهم‌است؟ ممکن است پاسخ ششما مثبت باشد، چون خانه‌های بسیار زیادی در شهر وجود دارد که ظاهری زیبا، تمیز و حتی آراسته دارد و ممکن است شما صاحب یکی از آنها باشید. این‌خانه‌ها معمولاً صاحبانی تمیز و باتصاف دارند. ولی اگر نمای بیرون خانه‌یویی از تمیزی و نظم‌نبرده باشد چه؟؟ می‌گویم انصاف چون این نظم بیرون از خانه احتمالاً ناشی از انصاف و نظم درونی اوست. او می‌تواند خارج از خانه را آشفته و نازیبا نگه دارد، ولی این کار را نمی‌کند. ممکن است یک دلیل آن عدالت باشد، چون دلش نمی‌خواهد مردم بیرون‌خانه‌از زشتی خانه‌اش آزرده‌خاطر شوند. پس این شخص منصف است. گاهی هم آدم‌ها دلشان می‌خواهد مورد تعریف و تمجید دیگران قرار بگیرند، از این رو ممکن است بیرون از خانه‌ار هم مثل درون خانه خود زیبا نگه دارند. اینکه این افراد دلیل درستی برای کار خود دارند یا نه، مدنظر این نوشته نیست. آنچه مهم است این است که با این کار خود، خیرشان به جامعه‌ی می‌رسد. با افضیاط خانه‌هایشان نظم‌ر به‌شهر هدیه‌ی می‌دهند. با زیبایی محل زندگی یا کسب و کارشان به مردم زیبایی را نشان می‌دهند. چه بسا که پروردگار هم زیبایی‌های بیشتری از هستی‌را نشان زندگی‌شان کند. کاری که در این گیتی بدون جزا و پاداش نیست. پس حتماً از جایی که خودشان هم نمی‌دانند کجاست، الطافی نشان‌شان می‌شود. از این‌رو می‌توان گفت افرادی که در این‌س کار کواثی

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۸۴۷۱

سبک نظم و ترتیب

روایتی از بالکن خانه من و تو

پنجره‌های رو به بوستان

نمی‌کنم. دل‌م نمی‌خواهد آن زن بی‌خیالی که خانه‌اش، کوچ‌ه ما را خراب و زشت کرده است، از دیدن بالکن زیبای من لذت ببرد. او بعد از چند دقیقه تصمیمش عوض شد و با حرص گفت: نه! بالکن را مرتب می‌کنم، ولی پارچه‌ای به سقف بالکن آویزان می‌کنم که او نتواند از زیبایی خانه من لذت ببرد.

نمی‌دانم که نظر دوست من چقدر درست یا نادرست بود، ولی می‌دانم که عمیقاً از بابت بی‌خیالی زن همسایه که با وجود تذکرات‌های زیاد، به فکر زیبایی خانه‌اش نبود و اهالی محل را ناراحت می‌کرد، عصبانی بود. آن روز توانستم دوستم را در ک‌کنم که این موضوع برایش خیلی جدی بود و عمیقاً ناراحتش می‌کرد.

مدتی پیش که برای پیاده‌روی به بوستان کنار خانه رفته بودم یاد آن دوستم افتادم. آن روز درون بوستانی که به لطف شهرداری، زیبا شده و در اختیار مردم قرار گرفته است، قدم می‌زدم که نسبت به گذشته تفاوتی را در آن دیدم. پنجره بزرگی که بالای دیوار کوتاه بوستان قرار داشت و مربوط به آپارتمان پشتی آن بود، مثل روزهای پیش نبود.

گلدان‌هایی که از آن آویخته بود، دیگر وجود نداشت و پرده زیبای آن هم برداشته شده بود. انگار ساکنانش از آنجا نقل مکان کرده بودند.

چند روزی که به آنجا می‌رفتم باز هم پنجره و بالکن کنارش را خالی دیدم. تا اینکه دوباره چند روز قبل مثل روزهای گذشته به آنجا رفتم و نگاهم باز هم به آن پنجره افتاد. بالکن کنار پنجره پر شده بود از خرت و پرت و وسایل خانه. پرده رنگ و رو رفته و زیاد دوستی پیدا کرده بودم. او همیشه با دیدن این‌صحنه‌ها به‌صاحب‌خانه‌هایی که ظاهر خوبی نداشتند، لعنت می‌فرستاد. از لعنت او احساس بدی پیدا می‌کردم ولی او هربار که جمله‌های لعنت‌بارش را به مردم می‌گفت، حال بدتری پیدا می‌کرد. دلش می‌خواست وقتی از پنجره خانه، بیرون را نگاه می‌کند، همه جا را مرتب و تمیز ببیند، درست مثل خانه خودش. دست بر قضا همسایه روبه‌رویی او که درست در برابر

درد

آیا نمای بیرون خانه‌مان همچون نمای داخلی آن، برایمان مهم است؟ ممکن است پاسخ ششما مثبت باشد، چون خانه‌های بسیار زیادی در شهر وجود دارد که ظاهری زیبا، تمیز و حتی آراسته دارد و ممکن است شما صاحب یکی از آنها باشید. این‌خانه‌ها معمولاً صاحبانی تمیز و باتصاف دارند. ولی اگر نمای بیرون خانه‌یویی از تمیزی و نظم‌نبرده باشد چه؟؟ می‌گویم انصاف چون این‌نظم بیرون از خانه احتمالاً ناشی از انصاف و نظم درونی اوست. او می‌تواند خارج از خانه را آشفته و نازیبا نگه دارد، ولی این کار را نمی‌کند

می‌کنند و با ظاهر نازیبا و نامرتب محل کار و سکونت، دیگران را دچار ناراحتی می‌کنند، پاسخ رفتار خود را به همان صورتی که شایسته‌و زبینه‌رفتارشان است، دریافت می‌کنند. این قانون با تمام سادگی و با تمام عظمتش در دنیا پابرجاست، که با هر دستی که بدھی، با همان دست هم می‌گیری. نمی‌شود نیکی کرد و بدی گرفت. نمی‌شود بدی کرد و نیکی گرفت. این قانون طبیعت است. بزرگان بارها و بارها درباره آن سخن‌ها گفته‌اند: «تو نیکی می‌کنی و در حله اندازه آن ایزد در بیایانت دهد. باز».

وقتی کسی خودش را موظف می‌داند که به ظاهر بیرونی خانه‌اش توجه‌وبه آن رسیدگی کند، کارش از نگاه پروردگار پوشیده‌نخواهد ماند.
■ بالکن خانه یک مرد خوب

مردی‌رامی‌شناسم که در آپارتمان کوچکی زندگی می‌کرد. این مرد که دوره میانسالی‌را پشت سر می‌گذاشت، در طبقه بالای آپارتمان زندگی می‌کرد. بالکن کوچک آپارتمان او بسیار تمیز و مرتب‌نگه می‌داشت، در حالی که همسایه‌های طبقات دیگر بالکن خانه‌هایشان را به انباری برای نگهداری از اشیاء و اثاثیه تبدیل کرده بودند. بالکن مرد زیبا و ساده‌بود. گلدان و گلی نداشت، ولی ساده و تمیز بود، بدون وجود اثاثیه‌ای که نمای کوچ‌ه را زشت و نازیبا کند. من همیشه وقتی از این کوچ‌ه می‌گذشتم، ساکن آن طبقه را که ظاهر خانه‌اش باطبقات دیگر انقدر فرق داشت، در دل

تحمین می‌کردم. درحالی که نمی‌دانستم که چه کسی در آنجا زندگی می‌کند، ولی با خودم فکر می‌کردم که بانوی باسلیقه‌و زیبایی‌رونی درون خانه منزل دارد. درآینکه مجبور شدم محل زندگی‌ام را تغییر دهم و خانه جدیدی برای خود پیدا کنم، وقتی برای پیدا کردن آپارتمان تازه به دفتر املاک

قسمت‌ها و مناطق مطلوب‌تر شهری به جهت مخالف یا پایین‌تر می‌روید، این دیدن نامناسب را هم بیشتر می‌بینید.»

دکتر قرایی‌مقدم از نقای فرهنگی را برای رفع این معضل اساسی می‌داند و می‌گوید: «باید فرهنگ مردم را ارتقا داد. هر چه فرهنگ جامعه بالاتر برود مردم هم کمتر به کارهای اینچنینی دست می‌زنند.» این مدرس دانشگاه از بین رسلانه‌های دینداری و شنیداری، تلویزیون را بهترین ابزار فرهنگسازی دراین زمینه می‌داند و می‌گوید: بهترین راه تبلیغ، صدا و سیما است. وقتی فیلم‌ها و سریال‌هایی با این موضوع ساخته شود و مردم آن را ببینند، تأثیر زیادی‌ار هم در جامعه خواهیم دید، بنابراین رسلانه‌ها اهمیت زیادی دارند که نباید از آن غافل بود.» دکتر قرایی در ادامه عامل مهم‌تری را که البته دیرپازده خواهد بود برمی‌شمارد که آن هم آموزش و پرورش است. او می‌گوید: «باید از کتاب‌های درسی مدارس شروع کرد. باید در کتاب‌ها درس‌هایی را برای آموزش این مقوله در نظر گرفت. وقتی مردم از کودکی بیاموزند که زیبایی شهر به آنها هم مربوط می‌شود، دیگر فرهنگ چهار دیواری، اختیاری هم رواج خود را از دست می‌دهد.»

حالا کتاب‌های درسی ما هنوز در این باره تغییری نکرده‌است، دست‌کم هنوز در این‌باره تغییر چندانی نکرده است. سریال تازه‌ای هم قرار نیست همین امروز با این موضوع ساخته شود و از صفحه‌نمایشگر تلویزیون‌هایمان تماشاً کنیم. ما امروز باید خودمان به فکر سلامت شهرمان بیفتیم. آنچه از دستمان برمی‌آید را در این‌باره انجام بدهیم- و نگذاریم با حرکتی ساده‌بر روح و روان‌م‌سردم و خودمان و زیبایی شهرمان آن هم با جابه‌جایی چند شیء و وسیله‌خداش‌های وارد نشود. خودمان فرهنگمان را بالا ببریم و به نظافت و زیبایی خانه‌مان اهمیت دهیم. حالا اگر دلمان نمی‌خواهد که گلدانی بخیریم و بالکنمان را زیبا کنیم، می‌توانیم آن را مرتب کنیم با پرده‌های نازیبی، می‌توانیم با فخر فرهنگیان بی‌فرهنگ جلوه‌ندهیم.



زشتی به بوستان داده بود نيفتد تا اهميتش را برابرم از دست بدهد. با این کار موقع رفتن به آنجا فقط به درختان و گیاهان زیبای آنجا نگاه می‌کردم و لذت می‌بردم. تا اینکه اتفاقی پیش آمد که برایم باورنکردنی بود. پیاده‌روی سنگینی را در خیابان‌های اطراف داخل بوستان انجام داده بودم که حسایی خسته‌ام کرده بود. دیگر نمی‌توانستم ادامه بدهم. باید کمی می‌نشستم تا حالم جا بیاید و سپس به خانه برگردم.

روی نیمکتی نشستم و سر بلند کردم تا نفس تازه کنم که نگاهم افتاد به همان پنجره و بالکن کنارش. دیدن زنی که در بین خرت و پرت‌های میان آن دنبال چیزی می‌گشت حیرت‌زده‌ام کرد.

دوستی که سال‌ها پیش همسایه نامرتبش را لعنت می‌کرد، حالا خانه خودش باعث نازیبا

شدن بوستان و محل شده بود. نمی‌دانستم باید از اینکه همسایه قدیم‌ار پس از سال‌ها خیلی اتفاقی دیده‌ام خوشحال باشم یا اینکه از روش زندگی جدیدش ناراحت‌ا! او دیگر حتی به نصب پارچه برای پوشاندن زیبایی‌های بالکنش هم راضی نبود، بلکه خودش بالکنی به‌هم‌ریخته داشت. انگار تصمیم نخستش را بیشتر عملی کرده بود. پاسخ اینکه چه کسی مقصر است و تغییر زندگی دوست من چقدر به آن زن همسایه قدیم مربوط می‌شود را نمی‌دانم. اما این را می‌دانم که ما همه بر زندگی هم تأثیر داریم. قضاوت آنچه برایتان گفتم‌ار به خودتان می‌سپارم. هر کسی که دوست من، زنی باسلیقه و زیباپسند بود و من هنوز هم دوستش دارم.

درد

دوستی که سال‌ها پیش همسایه نامرتبش را لعنت می‌کرد، حالا خانه خودش باعث نازیبا شدن بوستان و محل شده بود.

نمی‌دانستم باید از اینکه همسایه قدیم‌ار پس از سال‌ها خیلی اتفاقی دیده‌ام خوشحال باشم یا قدیم‌ار پس از سال‌ها خوشحال باشم یا اینکه از روش زندگی جدیدش ناراحت‌ا! او دیگر حتی به نصب پارچه برای پوشاندن زیبایی‌های بالکنش هم راضی نبود، بلکه خودش بالکنی به‌هم‌ریخته داشت خودش بالکنی به‌هم‌ریخته داشت

خانه او خانه داشت، زن نامرتبی بود. از آن خانه‌ای قدیمی داشت که نسبت به خانه‌های نوساز نیاز به رسیدگی بیشتری داشت، ولی صاحبش بسیار کم‌به آن توجه می‌کرد. همین عدم رسیدگی زن، بام کوتاه‌ان خانه را به انباری برای اشیاء و لوازم غیرضروری تبدیل کرده بود و محلی برای رقت و آمد راحت‌تر حشرات و جانوران شهری. دوست من سال‌ها در آن خانه زندگی کرد و شاهد به‌هم‌ریختگی و بی‌سامانی‌های خانه روبه‌رویش بود.

ولی یک بار به من چیزی گفت که توانستم به خوبی درکش کنم. او گفت دیگر دلم نمی‌خواهد بالکن‌خانم‌ار را که روبه‌روی آن خانه به‌هم‌ریخته قرار دارد مرتب کنم. حداقل تسا وقتی اینجا هستم این‌کار را